

تحلیل فضایی الگوی مشارکت سیاسی شهروندان در چهارمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر آمل (۱۳۹۲)

عامر نیک‌پور* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران
فرزین محمودی پاتی - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران
مصطفی صفایی رینه - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۷/۴ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۹/۲۸

چکیده

شورای شهر یکی از مهم‌ترین ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور شهر به‌شمار می‌رود که با گذشت بیش از صد سال از تصویب اولین قانون رسمی در این زمینه، در سال ۱۳۷۷ کار خود را به‌طور جدی شروع کرد. شهروندان ایرانی با حضور در چهار دوره انتخابات شورای شهر، در مدیریت شهری خود تأثیرگذار بودند. پژوهش حاضر چگونگی حضور مردم را از دیدگاه فضایی - سیاسی در شهر آمل بررسی می‌کند تا نشان دهد الگوی فضایی مشارکت در چهارمین دوره انتخابات شورای شهر چگونه بوده است. با استفاده از نتایج تفصیلی انتخابات دوره چهارم و توابع آمار فضایی، الگوی فضایی تمایل ساکنان مناطق مختلف شهر به هر یک از نامزدهای حاضر بررسی شد. تحلیل درصد آرای نفرات برگزیده به کل آرا نشان‌دهنده کم بودن مقدار آن در کل دوره‌های انتخابات است. به‌طوری که این نسبت هیچگاه از ۳۶ درصد بیشتر نشده است. شاخص موران برای چگونگی توزیع آرا ۰/۰۷+ است که حاکی از فقدان تشابه و همبستگی بین محلات در توزیع آرا و همچنین پراکندگی در الگوی توزیع فضایی آرا است. بر اساس یافته‌ها، الگوی مشارکت در شهر یکسان نبوده و پهنه شرقی - غربی از مشارکت بیشتری برخوردار بوده است. نتایج نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی محلات و مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان مشارکت شهروندان و نرخ اشتغال ۰/۴۱+ و جمعیت شاغل ۰/۷۳+ است که از نرخ بیکاری با ۰/۲۸+ و جمعیت بیکار با ۰/۶۳+ بیشتر است. این ضریب برای بار تکفل عمومی ۰/۴+ به‌دست آمد. از دیگر نتایج این پژوهش، تأثیر نقش همسایگی در انتخابات شورای شهر آمل است، به‌گونه‌ای که پیامد عوامل و زمینه‌های جغرافیایی مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان مناطق مختلف شهر آمل باعث شده رأی‌گیری در این شهر به‌صورت محلی‌گرا، طایفه‌گرا و قومی دربیاید. بنابراین چنین زمینه فرهنگی، یکی از بازدارنده‌های اساسی در تحقق فرایند مردم‌سالاری محلی به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: آمل، الگوی فضایی، انتخابات شورای شهر، مشارکت سیاسی.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های اساسی برای سنجش توسعه‌یافتگی شهرها، میزان مشارکت مردم در سرنوشت خودشان است. حضور مردم در انتخابات شورای شهر از نشانه‌های پیشرفت و خیزش برای اجرا و برآوردن نیازهای ساکنان شهرهاست. رأی‌گیری در انتخابات از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه است که در عین حال میزان دل‌بستگی و یا بی‌تفاوتی افراد را در قبال یک وظیفه مهم نشان می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۳: ۲۲۹). با شکل‌گیری دموکراسی و توسعه حق رأی همگانی، انتخابات، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی سیاسی در دنیای امروز شد. انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت محسوب می‌شود. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات، مبین رابطه حکومت و مردم و ترسیم‌کننده وضعیت اجتماعی است (طاهری، ۱۳۸۴). در فرایند انتخابات و مشارکت سیاسی، عناصر جغرافیایی مؤثری شناسایی می‌شود. مثلاً (کجایی) و قرار گرفتن افراد در فضای جغرافیایی، نژاد، مذهب و... در اغلب موارد چنین پدیده‌هایی بر شکل‌گیری رفتار سیاسی مردم، و در نتیجه رفتار انتخاباتی بسیار تأثیر گذارند. به دین لحاظ پیش‌بینی می‌شود که الگوی فضایی رأی‌دهی، نمایانگر انفکاک و فاصله میان مردمی است که دیدگاه‌های متفاوتی دارند. این الگوها بازتاب انفکاک زیربنایی نهادهای اجتماعی و اقتصادی‌اند. موقعیت مکانی محل سکونت فرد، تعیین‌کننده طبقه همسایگان و یا دوستان و آشنایان اوست. چنین الگویی از روابط و پیوستگی‌های اجتماعی، عنصری بسیار تعیین‌کننده در محیط اجتماعی خواهد بود که افراد در چارچوب آنها، تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی می‌کنند؛ چراکه محیط اجتماعی متعدد دربرگیرنده گرایش‌های مختلفی است که در مباحث سیاسی گوناگون نمود می‌یابد. علاوه بر این، کاندیداهای مختلف در تلاش برای کسب آرای خود، سطوح متفاوتی از توجه را به نواحی مختلف معطوف می‌کنند. بر این اساس طیف عواملی که به لحاظ موقعیتی و جغرافیایی، نوع تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند بسیار گسترده می‌شود. محل سکونت فرد رأی‌دهنده، تعیین‌کننده طبقات فضایی نمایندگان منتخب است. عامل تعیین‌کننده در این رابطه، مجموعه نواحی فضایی - قانونی است که به آنها حوزه‌های انتخابی می‌گویند. موقعیت مکانی حوزه انتخاباتی، بر چهره سیاسی منطقه و ماهیت بحث نمایندگی تأثیر گذار است. بنابراین جغرافیدانان به فرایند ترسیم حدود حوزه‌های انتخاباتی بسیار علاقه‌مندند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). از جستارهای پرچالش جغرافیای انتخابات، مبحث تأثیر همسایگی است که از نظر گستره مفهومی، ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص پایگاه حمایتی (زاد شهری) است. چنین شناسه‌ای اساساً ویژه نواحی‌ای است که محلی‌گرایی و طایفه - محوری بنیاد هویت و پایه بسیاری از رویدادها، کنش‌ها و واکنش‌های ساکنان آنجا به‌شمار می‌رود. اثر همسایگی در میان همه جوامع اعم از سنتی و پسا صنعتی دیده می‌شود؛ با این تفاوت که روند اثرگذاری و جهت‌گیری آن ناهمسان می‌نماید (کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۳). داده‌های رأی‌گیری برگرفته از برگزاری انتخابات در کشور، نشانگر آن است که متغیر نامبرده در فرهنگ سیاسی و گزینش افراد (انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان) اثرگذار بوده و بسیاری از نامزدها نیز با آگاهی از این پیش‌زمینه وارد کارزار انتخاباتی شده‌اند. آمل دومین شهر پرجمعیت استان مازندران است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۱۹۴۰۰ جمعیت دارد. آمل از جمله

شهرهایی است که بافت اجتماعی - فرهنگی آن با نوعی طایفه‌گرایی و محلی‌گرایی پیوند خورده است و این امر موجب برگزاری پرشور انتخابات آن در سطح محلی و بیشتر شدن مشارکت سیاسی شده است. نوشتار حاضر ضمن شناخت الگوی فضایی مشارکت سیاسی شهروندان شهر آمل در چهارمین دوره انتخابات شورای شهر (۱۳۹۲)، رابطه میان مشارکت سیاسی و مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی محلات، همچنین نقش و تأثیر پدیده «همسایگی» در فرهنگ سیاسی و رفتار انتخاباتی شهروندان را بررسی می‌کند.

مبانی نظری

جایگاه قانونی شورا در مدیریت شهری

شروع قانون‌گذاری درباره شوراها به سال ۱۲۸۶ برمی‌گردد که بر اساس اصل ۹۱ در اولین قانون اساسی کشور، اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می‌شوند. از آن زمان مکرراً قوه مقننه و مجریه مبادرت به وضع قوانین و مقررات نموده‌اند؛ لیکن به دلیل تبعات و آثار سیاسی و جدی، به‌طور اساسی و عملی اداره امور محلی از سوی مردم به مرحله اجرا درنیامده بود، تا اینکه در سال ۱۳۷۷ و دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی شوراها کار خود را به‌طور جدی شروع کردند (صالحی، ۱۳۷۸: ۲۴). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و از آنها به‌مثابه ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور نام برده شده است. اصل هفتم قانون اساسی می‌گوید: «شوراها، مجلس، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، محلی، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند». آنچه از این اصل قانون اساسی و اصول دیگر آن مخصوصاً در فصل هفتم استنتاج می‌شود این است که شوراهای اسلامی، به‌مثابه رکنی از ارکان حکومتی هستند که با رأی مردم انتخاب می‌شوند و یکی از طرق اعمال حق حاکمیت ملی محسوب می‌گردند و اگرچه به لحاظ تقسیمات سازمانی و اداری کشوری، وظایف خاص خود را دارند؛ ولی از نظر حقوق اساسی و حق حاکمیت در سطح دیگر ارکان حکومتی قرار می‌گیرند و حتی دامنه صلاحیت آنها در حوزه کاری به‌اندازه‌ای است که مطابق اصل یکصدوسوم قانون اساسی، استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تقسیمات آنها شده‌اند (نوروزی، ۱۳۷۸: ۳۲). از آنجا که شورا، نهادی کاملاً مردمی محسوب می‌شود که عهده‌دار بحث، بررسی و تصمیم‌گیری درباره مسائل روزمره و امور مردم است؛ بنابراین منظور اساسی از تشکیل آن، تحقق مشارکت مستقیم مردم در اداره امور زندگی شهری است. تعیین و تأیید این مطلب در اصل یکصدم قانون اساسی این‌گونه آمده است: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و دیگر امور رفاهی با همکاری مردم، با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر و شهرستان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محله انتخاب می‌کنند» (رزاقی‌اصل و سوری، ۱۳۸۵: ۱۸). به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار از وضع اصل یکصدم، توزیع منابع قدرت میان مردم است. در ساختار اداری - سیاسی، امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و... اگرچه مستقیماً سیاسی نیستند اما کارکردهای سیاسی دارند؛

مخصوصاً که این بخش‌ها به‌وجودآورنده امتیازهای خاصی اند که در فرایند اقتدار سیاسی، به‌مثابه منابع قدرت شناسایی می‌شوند. بنابراین قانون اساسی با واگذاری این دسته از امور و فعالیت‌ها به شورها که با رأی مردم انتخاب می‌شوند، از تمرکز منابع قدرت در دست صاحب‌منصبان حکومتی و صاحبان قدرت اقتصادی جلوگیری کرده است. به این ترتیب مشارکت مردم در اداره امور زندگی شهری از طریق شورها، ضمانت اجرای توزیع و مهار منابع اعمال قدرت در جامعه است (نوروزی، ۱۳۷۸: ۳۳). علاوه بر قانون شهرداری‌ها، قانون «تشکیلات و وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران» نیز وظایف قانونی شورها را به تفصیل معین کرده است. این قانون در سال ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان رسید و در همان سال از طرف رئیس‌جمهور وقت برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد. این قانون از ۵ فصل، ۹۴ ماده و ۵۱ تبصره تشکیل شده است (سعیدینیا، ۱۳۷۹: ۱۳۵). در ماده ۷۱ این قانون (همراه با اصلاحات بعدی)، ۳۴ وظیفه برای شوراهای اسلامی شهر در نظر گرفته شده است که بررسی این وظایف، جایگاه قانونی شورها را در نظام مدیریت شهری مشخص می‌کند (سرایی، ۱۳۸۵: ۶). عمده‌ترین وظایف در این قانون در ارتباط با شهرداری است که از آن جمله می‌توان به انتخاب و برکناری شهردار، تصویب بودجه شهرداری، تصویب آیین‌نامه‌ها و عوارض پیشنهادی شهرداری و نظارت بر امور شهرداری‌ها اشاره کرد. برخی از وظایف شورها نیز به هماهنگی و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی اختصاص دارد. برای مثال در بند ۴ آمده است: «همکاری با مسئولان اجرایی و نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان» و در بند ۶ آمده است: «تشویق و ترغیب مردم درباره گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط». البته محدود وظایفی نیز در قانون وجود دارد که جایگاه والاتری برای شورها قائل شده است. مثلاً در بند ۳۴ ماده ۷۱ (الحاقی سال ۱۳۸۲) آمده است: «بررسی و تأیید طرح‌های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی‌ربط قانونی جهت تصویب نهایی» و بر اساس بند ۳۲ ماده ۷۱ (الحاقی سال ۱۳۸۲) واحدهای شهرستانی در همه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را به عهده دارند، موظف شده‌اند تا برنامه سالانه خود را درباره خدمات شهری در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند (شفیعی‌پور، ۱۳۷۹). می‌توان گفت شورای شهر به‌مثابه عنصر سیاست‌گذار، تصمیم‌گیر و با اندکی تسامح، قانون‌گذار مدیریت شهری در سطح محلی است که باید از خصلت جامعیت و فراگیری برخوردار باشد و وظایف سیاست‌گذاری و نظارتی خود را در مقابل همه امور شهر و سازمان‌های ذی‌ربط انجام دهد؛ اما در عین حال کمیت و کیفیت این خصلت تحت تأثیر سه عامل زیر تعدیل شده و بر حسب جوامع مختلف، اشکال متفاوتی می‌یابد. این عوامل عبارتند از: ساختار حکومت و میزان تمرکزگرایی در سطوح مختلف آن، سطح توسعه‌یافتگی شهرها در برخورداری از میزان رفاه و آسایش و شکل‌گیری و تکامل جامعه مدنی (کاظمیان، ۱۳۷۹: ۱۲). با پذیرش این مبنا، مدیریت شهری مدیریتی از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزء لاینفک آن است. مدیریت شهری باید وظایفی را بر عهده گیرد و انجام دهد که افراد عضو آن یعنی همه شهروندان، آن را می‌خواهند و می‌پذیرند. با این تعابیر شورای شهر نهادی مدنی است که

متشکل از نمایندگان منتخب شهروندان باشد و اداره همه‌جانبه امور شهری توسط سازمان‌های مسئول را هدایت و نظارت کند. بر این اساس از یکسو میزان موفقیت شورای شهر در انجام وظایف و گسترش حیطة و اختیاراتش تحت تأثیر شکل‌گیری و درجه تکامل ایده و مؤلفه‌های جامعه مدنی و انعکاس عملی آن در رفتار نهادهای شهری و شهروندان است و از سوی دیگر عملکرد خود شورای شهر می‌تواند عامل مؤثری در فرایند مدنیت جامعه شهری باشد. (کاظمیان، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۴). در کنار دیدگاه نظری حاکم بر این زمینه، باید اذعان نمود که اگرچه شورای اسلامی شهر در ایران همچون کشورهای دیگر نظارت بر شهرداری را به عهده دارد؛ اما از آنجا که شهرداری‌های ایران قدرت پوشش و هماهنگ‌سازی سایر نهادهای رسمی و ذی‌ربط را ندارند و رابطه قانونی تعریف‌شده‌ای نیز بین شورای شهر و این نهادها وجود ندارد، در شرایط فعلی شهروندان و حکومت نمی‌توانند از این نهاد مسئولیت و پاسخگویی در قبال همه امور شهری را انتظار داشته باشند. در واقع شورای شهر در این حالت و بر اساس قانون موجود، نهاد و کانون اصلی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری برای همه شهر و سازمان‌های ذی‌ربط آن نیست؛ بلکه فقط بر کار شهرداری نظارت دارد و اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری و نظارت بر دیگر ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط مدیریت شهری را ندارد و این البته نقص و خلأ جدی و پرعارضه‌ای در سیستم مدیریت شهری کشور است که چاره‌جویی دقیق علمی بر اساس ویژگی‌های خاص اجتماعی، سیاسی و اداری جامعه شهری کشور را طلب می‌کند.

جغرافیای انتخابات

انتخابات سلسله اقدامات و عملیات پیوسته‌ای است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمان محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افرادی و یا موضوع خاصی از سوی اکثریت مردم می‌شود (حقیقی، ۱۳۷۵: ۳). انتخابات به مردم آرمان می‌دهد اما روش‌هایی که قانون‌های اساسی در همه مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و حتی فروملی سازمان‌دهی شده‌اند، در تعیین چگونگی سهیم شدن و عملی کردن آرمان‌هایشان حیاتی است (بلکسل، ۱۳۸۹: ۱۵۴). شواهد زیادی وجود دارد که در همه سطوح پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، سن، شغل، قومیت، ناحیه، محل سکونت و محیط سیاسی یا سرزمین‌هایی که در آن مشارکت صورت می‌گیرد، مشارکت سیاسی شباهتی به یکدیگر ندارد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۲). از طریق انتخابات و مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های آن می‌توان اتفاقات جامعه را تحلیل نمود. انتخابات یک نسخه خوب برای تغییرات اجتماعی است؛ زیرا مستقیماً بخش بزرگ‌تری از جمعیت را در مقایسه با دیگر آزمایش‌های افکار عمومی درگیر می‌کند. انتخابات شکاف‌های اصلی اجتماعی را نشان می‌دهد و تصویری روشن از چگونگی دگرگونی مناطق ارائه می‌کند (بلکسل، ۱۳۸۹: ۱۶۲). انتخابات عرصه بروز موضوعات و مسائل مهمی است که بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در یک شهر دارد و متناسب با شرایط جغرافیایی و فرهنگی آن مطرح می‌شود. در واقع جغرافیای انتخابات، جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازمان‌دهی آنها و مخصوصاً نتایج آنها بررسی می‌کند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۵). جغرافیای انتخابات را مطالعه توزیع فضایی پدیده سیاسی رأی‌گیری تعریف کرده‌اند و پدیده‌های سیاسی شامل همه فعالیت‌ها و واکنش‌های انسانی است

که ماهیتی سیاسی دارند؛ بنابراین تصمیم فرد برای شرکت در انتخابات واکنشی سیاسی است (Dwived, 1995: 121؛ کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۳۴). انتخابات معیار نگرش‌ها، درک‌ها، تنگناها و مشکلات جامعه است؛ بنابراین توزیع نتایج رأی‌گیری روی نقشه، نشان‌دهنده تفاوت‌های رفتاری مکان‌های مختلف است. ریچارد مویر بیان کرده است که آن دسته از رأی‌های آماری معتبر است که به لحاظ فضایی بر رفتار انتخاباتی افراد تمرکز دارد. زیرا عمدتاً فرض بر این است که گزینش انتخاب‌گران در میان نامزدها بر اساس منابع آنان است و این گزینش متأثر از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و قومی افراد است. از این رو جغرافیدانان تأثیر عامل محیطی را بر انتخاب گزینشگری لحاظ می‌کنند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۳۴). شالوده و درون‌مایه جغرافیای انتخابات بر مفاهیمی چون دموکراسی، مشارکت سیاسی، انتخابات، تصمیم‌گیری و حوزه انتخابات استوار است (کاویانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۷: ۲) و بیشتر آثار جغرافیای انتخابات مربوط به رفتار انتخاباتی و الگوهای رأی‌گیری است (Johnston, 1993: 126).

مشارکت سیاسی

مشارکت یعنی شریک کردن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا. مشارکتی که مردم در آن فعال نباشند، نه‌تنها استمرار ندارد بلکه وارونه عمل می‌کند (لطیفی، ۱۳۸۷: ۸ - ۲۷). مردم با فعال بودن در امور جوامع خود و تصمیم‌گیری درباره آن در واقع سرزمینشان را به سمت توسعه و پیشرفت سوق می‌دهند. با مشارکت در انتخابات، مردم در تعیین سرنوشتشان و شیوه حکومتی مدیریت سرزمینشان دخالت می‌کنند (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). در دائره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی آمده است: «مشارکت سیاسی شامل فعالیت‌های اختیاری صورت‌گرفته توسط مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است». این تأثیر می‌تواند به‌طور مستقیم یا به‌صورت انتخاب شخصی باشد که سیاست‌گذاری می‌کند. مثال این فعالیت‌ها شامل رأی دادن در انتخابات، کمک کردن به یک رقابت سیاسی، کمک مالی به یک کاندیدا، تماس با مقامات، اعتراضات و... است (Uhlener, 2004: 146). مفهوم مشارکت سیاسی، درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از درگیر نبودن تا داشتن مقام سیاسی است. فرض بر آن است که چنین مشارکتی، ساخت قدرت سیاسی و عقلانی کردن شیوه زندگی مردم را دگرگون می‌کند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۶: ۴۸۵). مشارکت سیاسی برای هر نظام اداری آثار و پیامدهایی دارد. هر نظام سیاسی برای ثبات و کارآمدی همواره نیاز به تأیید و به رسمیت شناختن از سوی مردم دارد. می‌توان انتخابات را بارزترین نمود مشارکت سیاسی دانست؛ چراکه انتخابات قابل‌اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است و ملاکی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. انتخابات کنشی است که مشارکت در عرصه نظام اجتماعی را تعریف و تبیین می‌کند و با بیان خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رأی‌دهندگان و رأی‌آوران و رأی‌خواهان سیاسی، سیاست‌گزینش نامزدهای انتخابی را معرفی می‌کند (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). شواهد زیادی وجود دارد که مشارکت سیاسی در همه سطوح، متناسب با پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات، سن، شغل، جنسیت، مذهب، قومیت، ناحیه، محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی فرق می‌کند. همبستگی آماری زیادی میان میزان مشارکت سیاسی و میزان آنچه به «اثربخشی سیاسی» معروف است، وجود دارد. یعنی اثربخشی سیاسی فرد و این احساس که می‌توان در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأثیر گذاشت (راش، ۱۳۷۷: ۱۴۱). از آنجا که انتخابات معیار شناخت

نگرش‌ها، برداشت، تنگناها و مشکلات جامعه است، توزیع نتایج رأی روی نقشه، نشانگر تفاوت‌های رفتاری مکان‌های مختلف است.

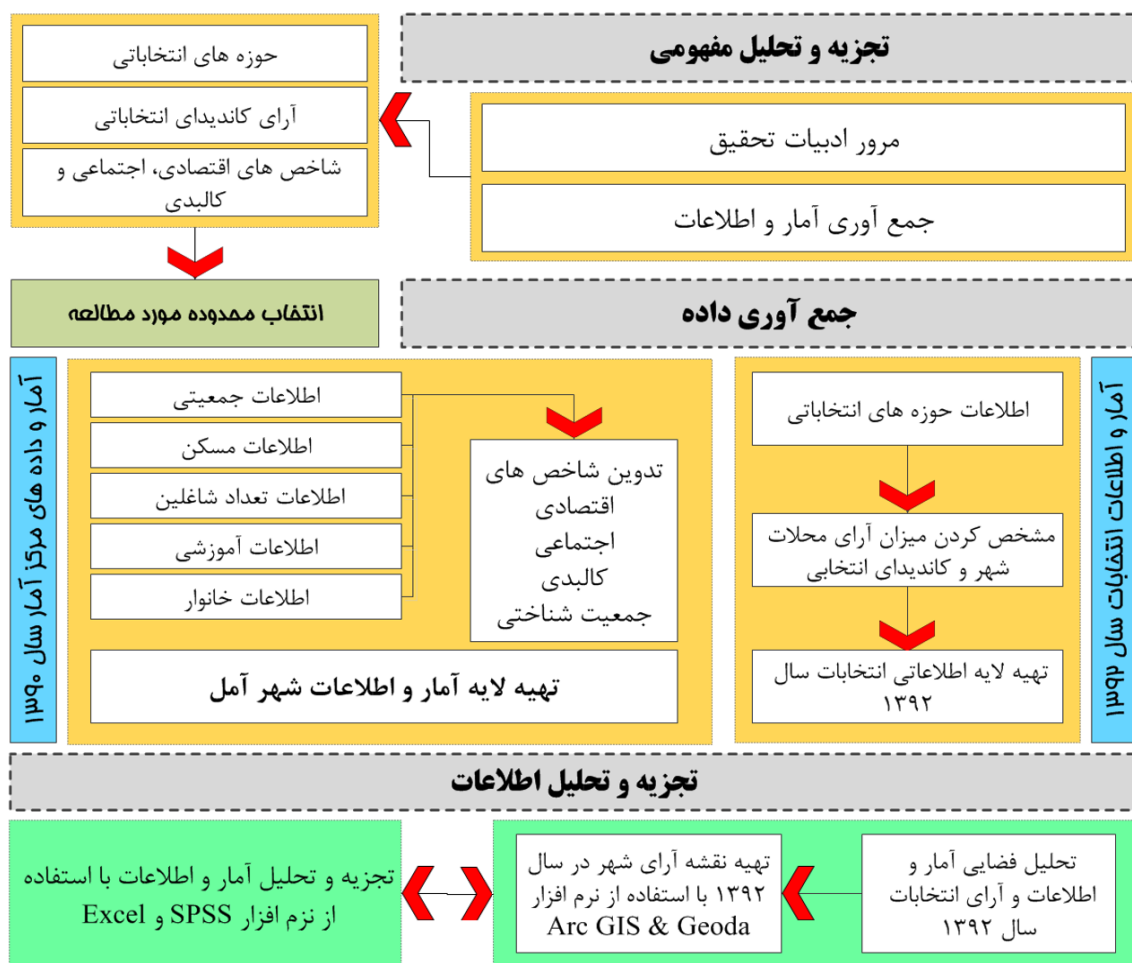
رفتار انتخاباتی و تأثیر همسایگی

ترسیم نقشه رفتار رأی‌گیری یکی از دیرپاترین جستارهای جغرافیای انتخابات است. از بعد فضایی، الگوی رأی‌گیری متنوع است؛ به گونه‌ای که میان این پراکنش فضایی و وجود بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی و اجتماعی همبستگی وجود دارد. در دموکراسی‌های پیشرفته، نظام حزبی بر شکاف‌های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی یا اقتصادی استوار است. برای نمونه میان طبقه مذهب و گروه قومی و دل‌بستگی آنان به تمرکز اجتماعی نوعی رابطه وجود دارد. در مطالعه تأثیر جغرافیا بر رفتار رأی‌گیری، دو شیوه آمریکایی و انگلیسی مطرح است. شیوه آمریکایی عمدتاً مبتنی بر گونه‌ای محلی‌گرا است که در آن شمار جمعیت محدوده‌های انتخاباتی اهمیت فراوان دارد. در شیوه انگلیسی، شکاف طبقاتی مبتنی بر تمایز و تنوع طبقه (تحصیلات، کیفیت زندگی و فرهنگ) اهمیت می‌یابد. یکی از دلایل طرح چنین شیوه‌ای در انگلستان، کاهش تأثیر هویت‌های ناحیه‌ای است. بر اساس هر دو شیوه، احزاب مرتبط با آنها از نظر فضایی، تنوع پایگاه خواهند داشت (Pattie & Johnston, 2007). برای مثال احزاب سوسیال‌دموکرات که بنیاد آن بر طبقه کارگر است، از نظر تاریخی، عمدتاً از سوی نواحی شهری کارگرنشین پشتیبانی می‌شوند. در مقابل، احزاب محافظه‌کار که از کارفرمایان حمایت می‌کنند، پشتیبانی خود را از حومه‌نشینان طبقه متوسط و محدوده‌های روستایی به‌دست می‌آورند. همچنین در انطباق میان الگوهای رأی‌گیری و ترکیب نژادی، گرایش سیاحان آمریکایی در رأی دادن به دموکرات‌ها در شهرهای نیویورک و لس‌آنجلس نمود بیشتری دارد (Flint, 1998: 79 - 100). الگوی جغرافیای رأی‌گیری بازتابی از تمایزات و خواست گروه‌های اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین عوامل جغرافیایی بر بنیادهای اجتماعی مؤثر در رأی‌گیری تأثیر می‌گذارند. تجربه نشان داده است که بر بنیاد «جستار تأثیر همسایگی»، اغلب افراد مانند یکدیگر عمل می‌کنند. به این مفهوم که حتی اگر شرایط اجتماعی - اقتصادی شان در پیوند با جای دیگر باشد، هنگام رأی دادن، مشابه با یکدیگر، به همسایگان‌شان رأی می‌دهند (Flint, 1998: 80). مقوله همسایگی بازتاب هم‌اندیشی ساکنان گستره سکونتگاهی خاص است که احساس برآمده از آن، بالقوه زمینه‌ساز کنش‌های اجتماعی و هماهنگ آنان به‌شمار می‌رود. هرچند که مرزبندی جغرافیایی همسایگی دشوار است؛ اما تقریباً هسته آن آشکار است. همسایگی عموماً به محدوده‌ای در داخل نواحی شهری اطلاق می‌گردد که مناسبات چهره‌به‌چهره بر آن حاکم باشد و از نظر فضایی، جامعه‌ای تعیین‌حدودشده است. چنین موجودیتی را غالباً غریبه‌ها (بیگانه‌ها) درک می‌کنند تا خود ساکنان محل. در همسایگی پراکنش، خرده‌فرهنگ‌ها در محدوده‌های خاص به انگاره‌ها و فعالیت‌ورزی کسانی که در آنجا می‌زیند جهت می‌دهند. هرچند داده‌ها برای چنین مناسبات همسایگی خودانگیخته‌ای در برخی از شهرهای مدرن اندک می‌نماید (Johnston, 1993: 316). جغرافیدانان سیاسی دریافته‌اند که عوامل جغرافیایی در سوگیری اجتماعی مخصوصاً در پدیده رأی‌گیری، تأثیر دارد. نخست آنکه مردم تمایل دارند به شیوه‌ای همسان به همسایگان‌شان رأی دهند، حتی اگر وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنان ایجاب کند که

وفاداری‌شان به جای دیگر باشد. آنگاه که تفسیر اخبار و امور سیاسی از رهگذر مباحثه‌های محلی افراد (رودررو) تحلیل گردد، تأثیر همسایگی کارگر می‌افتد (Glassner, 1993: 139). در واقع تأثیر همسایگی شکلی از تأثیرپذیری اجتماعات محلی است که در آن ویژگی محیط‌های اجتماعی، اندیشه و کنش افراد را متأثر می‌سازد. تأثیر همسایگی به رابطه میان نفع شخصی و رفتار فرهنگی باور دارد. افراد بر پایه منافع تخیلی‌شان (آینده) به همراه جمعیت همسایگی واکنش نشان می‌دهند و متعامل می‌شوند. در اینجا ارزش‌های جامعه محلی، آرزوها و خواست‌های فردی را متأثر می‌کند (Johnston, 1993: 316). بر همین اساس می‌توان گفت جغرافیایی‌ترین بعد رأی‌گیری همین «جستار تأثیر همسایگی» است که در آن رابطه میان نتایج انتخابات و محدوده پیرامونی سکونتگاه و زادگاه نامزدها و نمایندگان بررسی می‌شود (Glassner, 1993: 185). رویکرد تأثیر همسایگی با انتقادهایی نیز همراه است که درون‌مایه همه آنها به این موضوع اشاره دارد که این ویژگی خاص نواحی‌ای است که هنوز وارد دوران مدرنیته و بهره‌گیری از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات نشده‌اند، پس نمی‌تواند فراگیر باشد. در پاسخ می‌توان گفت هرچند ممکن است در برخی کشورها تأثیر همسایگی کم‌اثر باشد؛ اما تأثیر همسایگی در دموکراسی‌های پیشرفته که نظام پارلمانی قوی دارند، وجود دارد و این واقعیتی انکارناپذیر است (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۲۵۶). یکی از اهداف این نوشتار کشف این واقعیت است که فرهنگ سیاسی و مقوله رأی‌گیری در انتخابات شورای شهر آمل تا چه اندازه متأثر از جستار تأثیر همسایگی است.

روش تحقیق

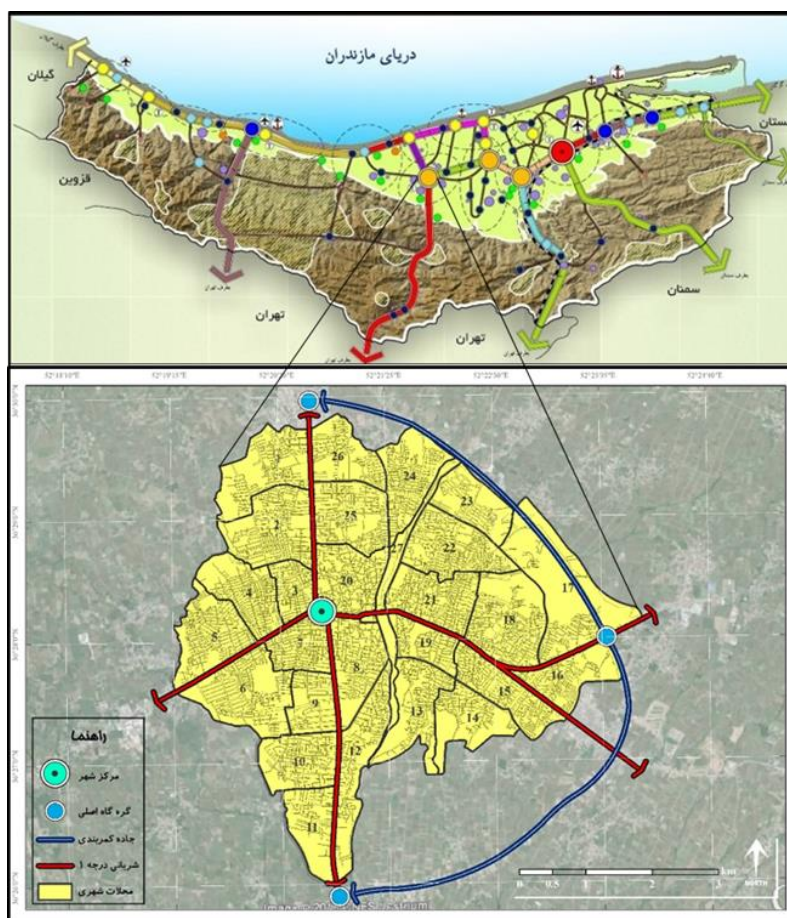
رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، کیفی و کمی و روش تحقیق از نوع هدف کاربردی است. پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق در چارچوب روش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات پژوهش با مطالعات دقیق کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک، و همین‌طور مطالعات و عملیات میدانی شامل: مراجعه به فرمانداری و شهرداری آمل و مرکز آمار و مصاحبه با اعضای شورای شهر گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق حوزه‌های انتخابات شورای اسلامی شهر آمل است که اطلاعات آنها شامل: محل استقرار، تعداد آرای حوزه‌ها، آرای صحیح و باطل، آرای اعضای انتخابی شورای شهر به همراه ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر آمل است. این اطلاعات جمع‌آوری شده و مشخصات آن روی نقشه ۱:۴۰۰۰۰ شهر آمل به صورت لایه‌های اطلاعاتی ذخیره شده است، تا از این طریق امکان تحلیل فضایی آنها فراهم شود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، کمی است و با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS، Geoda، SPSS و Excel، روابط بین متغیرهای تحقیق ارزیابی می‌شود تا عوامل مؤثر در میزان مشارکت شهروندان در انتخابات و همچنین عوامل مؤثر در انتخاب اعضای شورای شهر در دوره اخیر انتخابات شورای شهر آمل مشخص شود. در تحلیل آرای حوزه‌های انتخاباتی نیز از روش‌های نزدیک‌ترین همسایگی، کریجینگ و آماره موران استفاده شد.



شکل ۱. مدل مفهومی، مراحل و اجزای فرایند پژوهش

محدوده تحت مطالعه

حوزه تحت مطالعه این پژوهش، شهر آمل است. شهر آمل مرکز شهرستان آمل و از جمله شهرهای باستانی کشور است که بر سر راه تجارتي و توريستی تهران به طرف سواحل جنوبي دریای مازندران و ديگر شهرهای شمال کشور از طريق محور هراز قرار دارد. فاصله این شهر تا مرکز کشور، ۱۸۱ کیلومتر و تا مرکز استان ۶۹ کیلومتر است. (سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۰). موقعیت استراتژیک شهر آمل، دسترسی به راههای مواصلاتی و بافت اجتماعی و فرهنگی ویژه این شهر سبب گردید که تاریخ سیاسی پرفرازونشیبی را پشت سر گذارد و به نام کهن شهر هزارسنگر معرفی شود. زیرا از یکسو خاستگاه نخستین پایتخت حکومت علویان در ۲۵۰ هـ. ق (حکیمیان، ۱۳۶۸) و از سوی دیگر محل وقوع یکی از مهم ترین رخدادهای سیاسی تاریخ جمهوری اسلامی بوده است و آن مقاومت مردم این شهر در ششم بهمن ۱۳۶۰ در برابر حمله مسلحانه گروهی مائویست به نام اتحادیه کمونیست های ایران بود. این قیام با حضور مردم محلی، نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب و شهر بازپس گرفته شد. این حادثه موجب شد که این شهر به نام هزارسنگر معروف شود (hezarsangar.blogfa.com).



شکل ۲. نقشه شهر آمل و موقعیت آن در استان مازندران

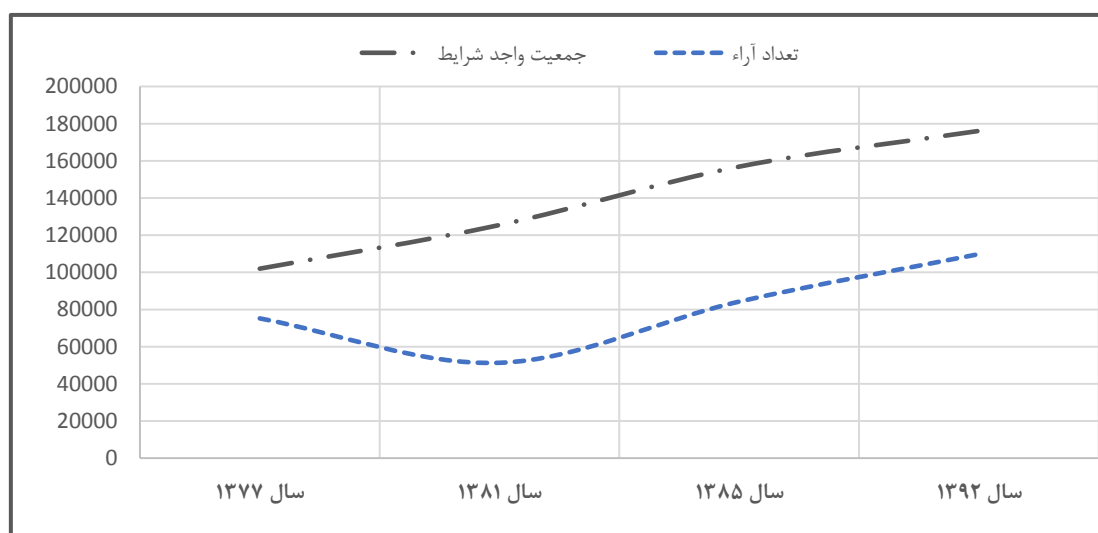
انتخابات شورای شهر آمل

از سال ۱۳۷۷ تاکنون چهار دوره انتخابات شورای شهر در سطح کشور اجرا شده است. با توجه به قانون مصوب شوراهای، نظر به اینکه در سه دوره اول انتخابات، جمعیت شهر کمتر از دویست هزار نفر بوده، تعداد اعضای شورای شهر هفت نفر بوده است؛ اما در دوره چهارم (۱۳۹۲) با توجه به افزایش جمعیت شهر و گذشتن از مرز دویست هزار نفر (تقریباً ۲۲۰ هزار نفر) تعداد اعضای انتخابی به سیزده نفر افزایش یافت. با افزایش جمعیت و توسعه فضایی شهر، تعداد حوزه‌های انتخابی، میزان جمعیت واجد شرایط و همچنین تعداد کل آرا نیز افزایش یافته است. یکی از ویژگی‌های انتخابات شهر آمل روند پرفراز و فرود نرخ مشارکت در آن است. بعد از مشارکت شایان توجه در اولین دوره، نرخ مشارکت در دومین دوره روندی نزولی در پیش گرفت، به طوری که از ۷۴ درصد به ۴۱ درصد رسید؛ اما از دوره سوم با روندی صعودی از ۴۱ درصد به ۵۴ درصد و در آخرین دوره نیز به ۶۲ درصد رسید. علی‌رغم افزایش نسبی نرخ مشارکت در دو دوره اخیر، همچنان بین نرخ آخرین دوره و اولین دوره، اختلاف زیادی وجود دارد. شاید مهم‌ترین دلیل این اختلاف، برآورده نشدن انتظارات مردم توسط شورای شهر باشد. به طوری که حتی تغییر سن رأی‌گیری و شش ساله شدن مدت دوره سوم برای همزمانی انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری نیز نتوانست نرخ مشارکت را به میزان دوره اول ارتقا دهد. در جدول ۱ اطلاعات کامل انتخابات چهار دوره اخیر شورای شهر آمل آمده است.

جدول ۱. مشخصات انتخابات چهار دوره شورای اسلامی شهر آمل

ردیف	سال	جمعیت واجد شرایط	تعداد آرا	نرخ مشارکت (به درصد)	برگه‌های صحیح	آرای باطل	تعداد داوطلبان	تعداد کل حوزه‌ها	نسبت آرای منتخبان به کل آرا
۱	۱۳۷۷	۱۰۱۹۸۱	۷۵۲۲۷	۷۴	۷۴۶۸۵	۴۷۸	۲۱۵	۷۶	۰/۶۷
۲	۱۳۸۱	۱۲۵۴۵۹	۵۱۳۳۹	۴۱	۵۰۲۳۶	۱۰۲۶	۷۳	۹۳	۱/۱۹
۳	۱۳۸۵	۱۵۶۸۹۶	۸۴۲۴۸	۵۴	۸۱۳۱۳	۲۹۳۵	۱۱۲	۱۰۰	۰/۷۴
۴	۱۳۹۲	۱۷۶۱۱۲	۱۰۹۸۰۴	۶۲	۱۰۵۴۶۷	۴۳۳۷	۱۱۲	۱۲۴	۱/۰۲

منبع: وزارت کشور و محاسبه‌های نگارندگان



شکل ۳. نمودار وضعیت جمعیت واجد شرایط و میزان مشارکت در چهار دوره انتخابات شورای شهر آمل

درصد آرای نفرات برگزیده به کل آرا

یکی از عواملی که میزان مشارکت مردم در انتخابات را می‌سنجد، نسبت درصد آرای نفرات برگزیده به کل آرا است. زیرا این امر نشان‌دهنده میزان اهمیت مردم به مقوله انتخابات و بازتاب درجه دموکراسی محلی است. هر چه شهروندان به حقوق خود آگاه‌تر و نسبت به داوطلبان شناخت بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت مردم بیشتر می‌شود و نسبت آرای اعضای منتخب به کل آرا بیشتر خواهد شد. برای بررسی این امر، نسبت آرای کاندیداهای منتخب چهار دوره انتخابات شورای شهر به کل آرا ارزیابی شد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد بیشترین میزان این نسبت مربوط به نفر اول دومین دوره انتخابات (۱۳۸۱) است که با ۱۸۵۸۴ رأی بالاترین میزان رأی را بین همه کاندیداها و در همه دوره‌ها دارد. اما با وجود این رأی بالا، فرد برگزیده فقط منتخب ۳۶ درصد از رأی‌دهندگان بود. به عبارت دیگر او در جایگاه نفر اول انتخابات، نماینده ۶۴ درصد دیگر از شهروندان نبود. این امر در آخرین دوره انتخابات (۱۳۹۲) هم به شکل حادثی دیده

شد، در این دوره نفر اول تنها توانست حدود ۱۳ درصد و نفر دوم حدود ۱۱ درصد کل آرا را به خود اختصاص دهند و جالب‌تر اینکه نفرات سوم تا سیزدهم حتی نتوانسته‌اند آرای بیش از ۱۰ درصد کل را به خود اختصاص دهند. در حالی که در این دوره بیشترین آرا در صندوق‌ها ریخته شد و هر کاندیدا توانست به‌طور میانگین ۹۸۰ رأی را به خود اختصاص دهد که بیشترین مقدار در تمام دوره‌ها بود. این امر نشانگر این واقعیت است که اکثریت رأی‌دهندگان فقط به یک یا چند کاندیدایی که می‌شناسند رأی می‌دهند و الزامی نمی‌بینند که از همه ظرفیت استفاده کنند و در برگه رأی تعداد حداکثری که قانون اجازه داده است (۱۳ نفر) را وارد نمایند. در حالی که اگر انتخاب بیشتری از سوی مردم صورت گیرد پشتوانه رأی منتخبان تقویت خواهد شد و اعضای شورا با مسئولیت‌پذیری بیشتر و با انگیزه بهتر پیگیر و پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان خواهند بود. بنابراین می‌توان گفت اصطلاح پدیده «تک‌رأی» یا رأی‌دهی بر اساس شناخت فردی امری رایج در انتخابات شورای شهر آمل به‌شمار می‌رود و فهرست‌های متعددی که از سوی احزاب و اتحادیه‌ها معرفی می‌شوند چندان با اقبال عمومی روبرو نمی‌شوند (جدول ۲).

جدول ۲. نسبت درصد آرای منتخبان به کل آرای شهر در دوره‌های مختلف

ردیف	۱۳۷۷	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۱۳۹۲	ادامه ۱۳۹۲
۱	۱۲/۵	۳۶/۱	۱۴	۱۲/۶	۸
۲	۱۰/۴	۱۷/۵	۱۱	۱۰/۶	۹
۳	۹/۷	۱۵/۸	۱۰/۹	۸/۵	۱۰
۴	۹	۱۳/۹	۱۰/۸	۸/۴	۱۱
۵	۸/۹	۱۳	۱۰/۵	۸	۱۲
۶	۸/۷	۱۲/۷	۸/۴	۷/۹	۱۳
۷	۷/۹	۱۰/۷	۸/۳	۷/۵	
میانگین سهم هر داوطلب از کل آرا					
	۳۵۰	۷۰۳	۷۵۴	۹۸۰	

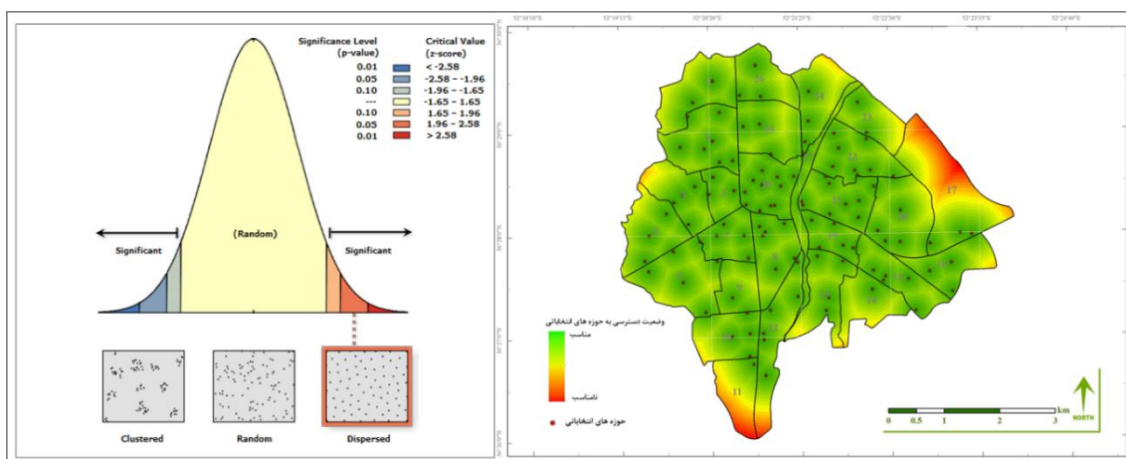
منبع: محاسبه‌های نگارندگان بر اساس داده‌های وزارت کشور

یافته‌های تحقیق

توزیع فضایی حوزه‌های انتخاباتی

یکی از حوزه‌هایی که در پژوهش‌های جغرافیای انتخابات به آن توجه می‌شود، تحقیق درباره وضعیت فضایی - مکانی حوزه‌های انتخاباتی (صندوق‌های اخذ رأی) است. زیرا وضعیت قرارگیری و نحوه دسترسی به حوزه‌ها، در میزان مشارکت رأی‌دهندگان مؤثر است. برای تعیین توزیع فضایی و پراکندگی حوزه‌های انتخاباتی از ابزار نزدیک‌ترین همسایگی استفاده شده است تا مشخص شود آیا حوزه‌های انتخابی همه محدوده شهر را پوشش می‌دهد و از توزیع یکنواخت برخوردار است

یا خیر. فاصله نزدیک‌ترین همسایگی برای توزیع فضایی حوزه‌های انتخاباتی نشان می‌دهد حوزه‌ها به صورت پراکنده (Dispersed) در سطح شهر توزیع شده‌اند و دسترسی به حوزه‌ها برای شهروندان به راحتی امکان‌پذیر بوده است. همچنین در محلات مرکزی و پرجمعیت، تعداد صندوق‌های رأی بیشتر از محلات حاشیه‌ای و کم‌تراکم است (شکل ۴).

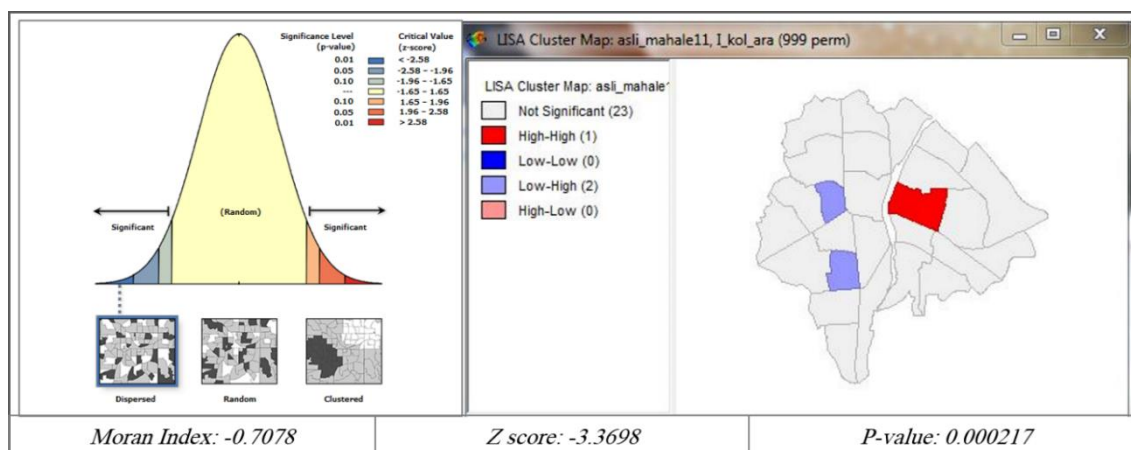


شکل ۴. توزیع فضایی حوزه‌های انتخاباتی شهر آمل، سال ۱۳۹۲

تحلیل فضایی آرای مشارکت‌کنندگان

برای شناخت الگوی فضایی انتخابات و مشارکت شهروندان از روش آماره موران استفاده شده است. این روش نشان می‌دهد که آیا آرای انتخاباتی به صورت خوشه‌ای توزیع شده‌اند و حوزه‌ها در محلات مجاور دارای خودهمبستگی و ارزش مشابه‌اند یا اینکه به صورت پراکنده و بدون ارتباط در کنار هم توزیع شده‌اند.

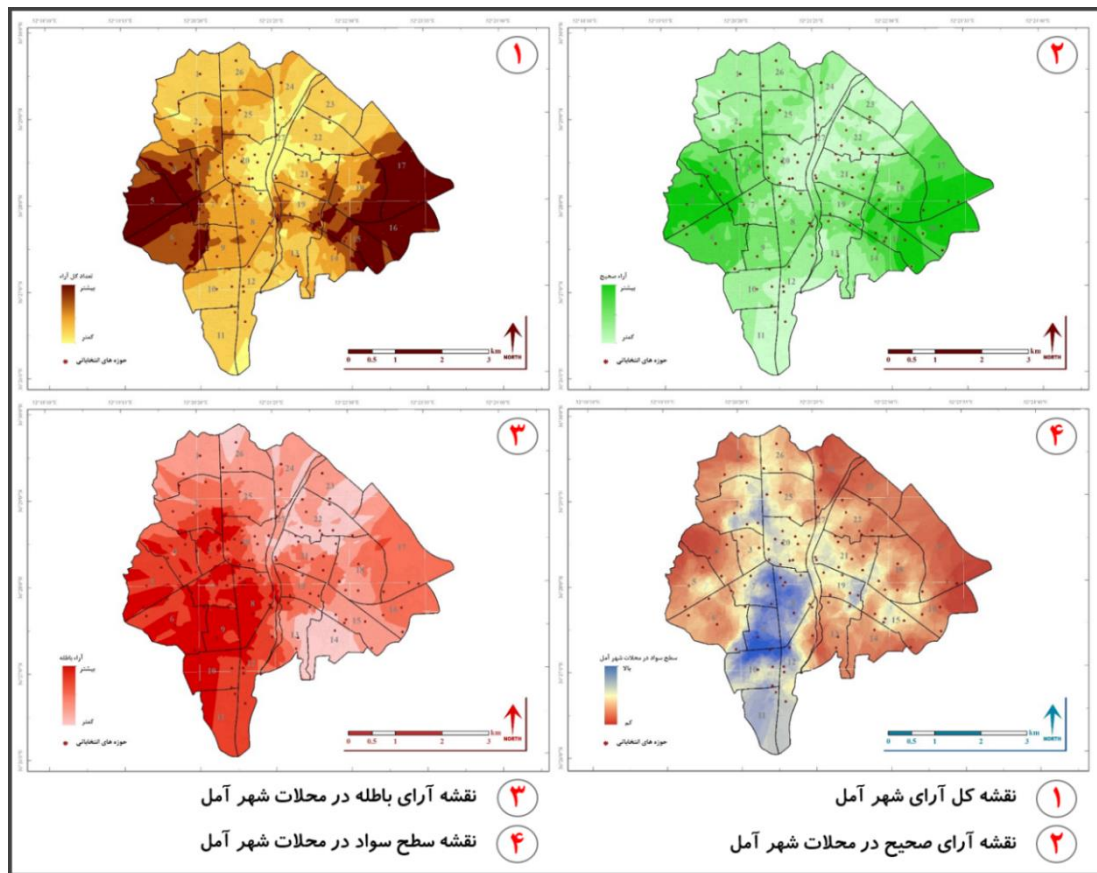
نتایج محاسبه نشان می‌دهد که الگوی توزیع آرا به صورت پراکنده است و در حوزه‌های محلات مجاور از لحاظ فضایی همبستگی وجود ندارد. برای بررسی این مورد از نرم‌افزارهای Geoda و Arc GIS استفاده شده است. شاخص فضایی موران در نرم‌افزار Geoda از لحاظ فضایی نشان می‌دهد که آرا تنها در محله ۲۱، با نواحی مجاور تشابه و همبستگی دارد و در دیگر محلات ارتباط معنادار بین آرا وجود ندارد (شکل ۵). همچنین نمودار آماره موران از پراکندگی این شاخص حکایت دارد زیرا شاخص موران با امتیاز $0/7-$ به $1-$ نزدیک است (شکل ۵).



شکل ۵. الگوی فضایی مشارکت شهروندان در انتخابات شورای شهر آمل، سال ۱۳۹۲

تحلیل فضایی آرا

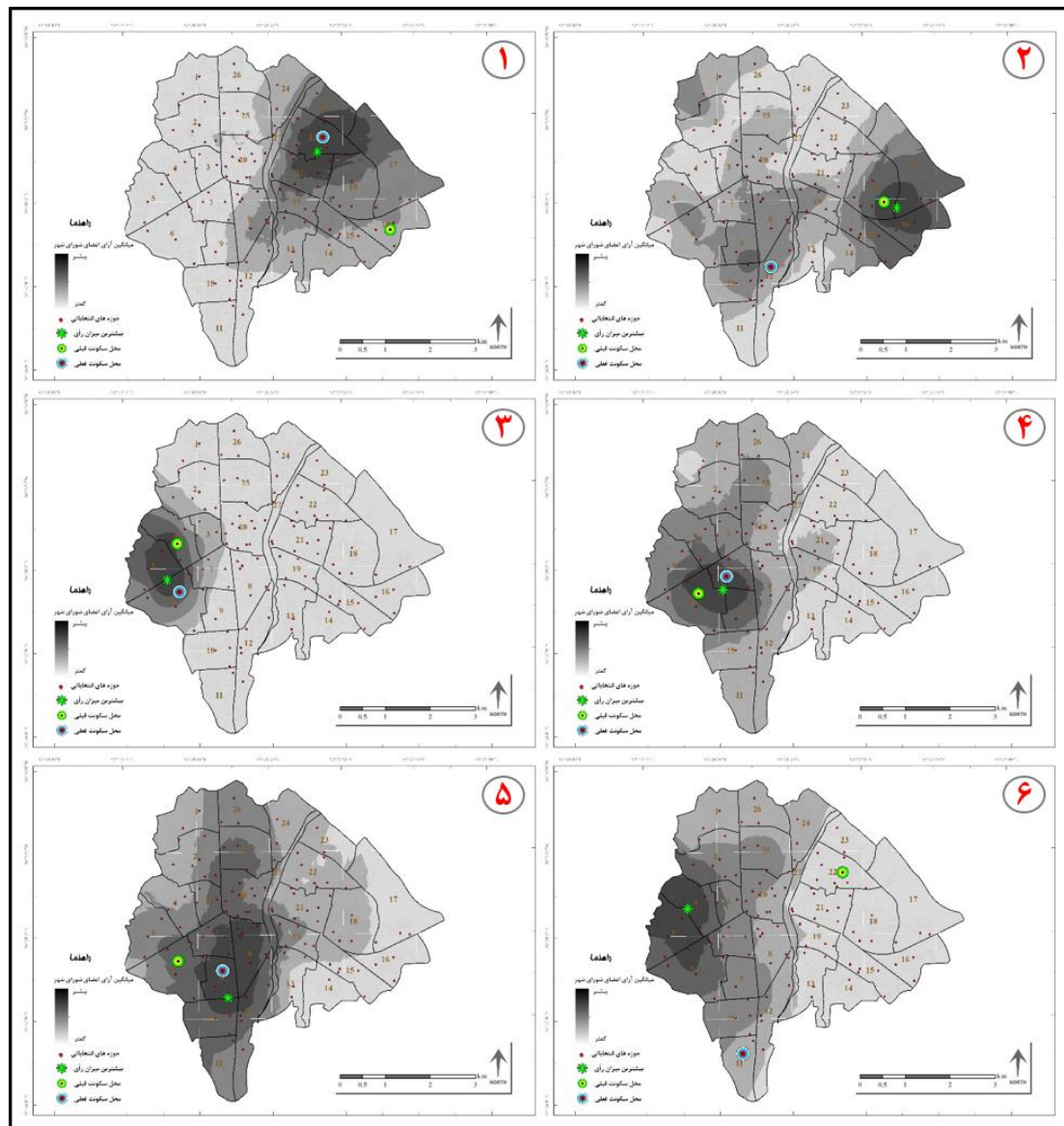
تحلیل فضایی آرا به ما کمک می‌کند که اطلاعات توصیفی را به همراه بعد مکانی آنها ارزیابی و تحلیل کنیم. در تحلیل فضایی آرا، توزیع آرای شهروندان در سطح شهر ارزیابی می‌شود تا مشخص شود در چه مناطق و حوزه‌هایی میزان مشارکت شهروندان بیشتر از سایر حوزه‌ها بوده است تا در نتیجه، علل احتمالی تغییرات موجود میان حوزه‌ها با توجه به میزان آرا و عوامل مؤثر بر تغییرات میزان مشارکت در سطح شهر مشخص شود. توزیع فضایی آرا نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز آرا در محلات شرقی و غربی شهر آمل مشاهده می‌شود (شکل ۶، نقشه ۱). همان‌طور که در شکل آمده است، با وجود اینکه تعداد حوزه‌ها در این محلات نسبت به دیگر محلات کمتر است؛ اما آرای بیشتری را در مقایسه با بخش مرکزی با تعداد حوزه‌های بیشتر، در صندوق‌ها جای داده است. الگوی پراکندگی آرای صحیح با پراکندگی آرای کل همخوانی دارد و در حوزه‌هایی که بیشترین میزان مشارکت در آنها به چشم می‌خورد، آرای صحیح در مقایسه با دیگر حوزه‌ها بیشتر است (شکل ۶، نقشه ۲). اما الگوی پراکندگی آرای باطل با کل آرا و آرای صحیح متفاوت است و در قسمت شرق، مرکز و جنوب شرقی شهر پراکنده شده است (شکل ۶، نقشه ۳). میزان مشارکت مردم در محلات مختلف و یا همان الگوی پراکندگی آرا به عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی از این عوامل میزان تحصیلات ساکنان است که تأثیر زیادی در میزان مشارکت دارد. به همین منظور برای شناسایی تأثیر این عامل در انتخابات شورای اسلامی سال ۱۳۹۲ شهر آمل، نقشه فضایی سطح سواد شهروندان در پهنه شهر ترسیم شده است (شکل ۶، نقشه ۴). برای ترسیم این نقشه، سطح سواد به ۵ گروه بی‌سواد، تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری تقسیم شده و به هر گروه با توجه به سطح سواد از ۱ تا ۵ امتیاز داده شده است. سپس با جمع تمام گروه‌ها، نقشه کلی سطح سواد در محلات شهر آمل ترسیم شده است. همچنین برای از بین بردن تأثیر تعداد جمعیت، نقشه سطح سواد بر لایه جمعیتی کل شهر تقسیم شده است. نقشه تولیدشده نشان می‌دهد که در محلاتی که سطح سواد پایین‌تر بود، افراد مشارکت بیشتری در انتخابات داشتند و محلات با سطح سواد بالاتر رغبت چندانی برای شرکت در انتخابات نداشتند. نقشه آرای باطل و نقشه سطح سواد، همخوانی و رابطه معنادار میان آن دو را نشان می‌دهد (شکل ۶، نقشه ۳ و ۴).



شکل ۶. توزیع فضایی آرای مشارکت‌کنندگان و سطح سواد در شهر آمل، سال ۱۳۹۲

تأثیر همسایگی در انتخابات

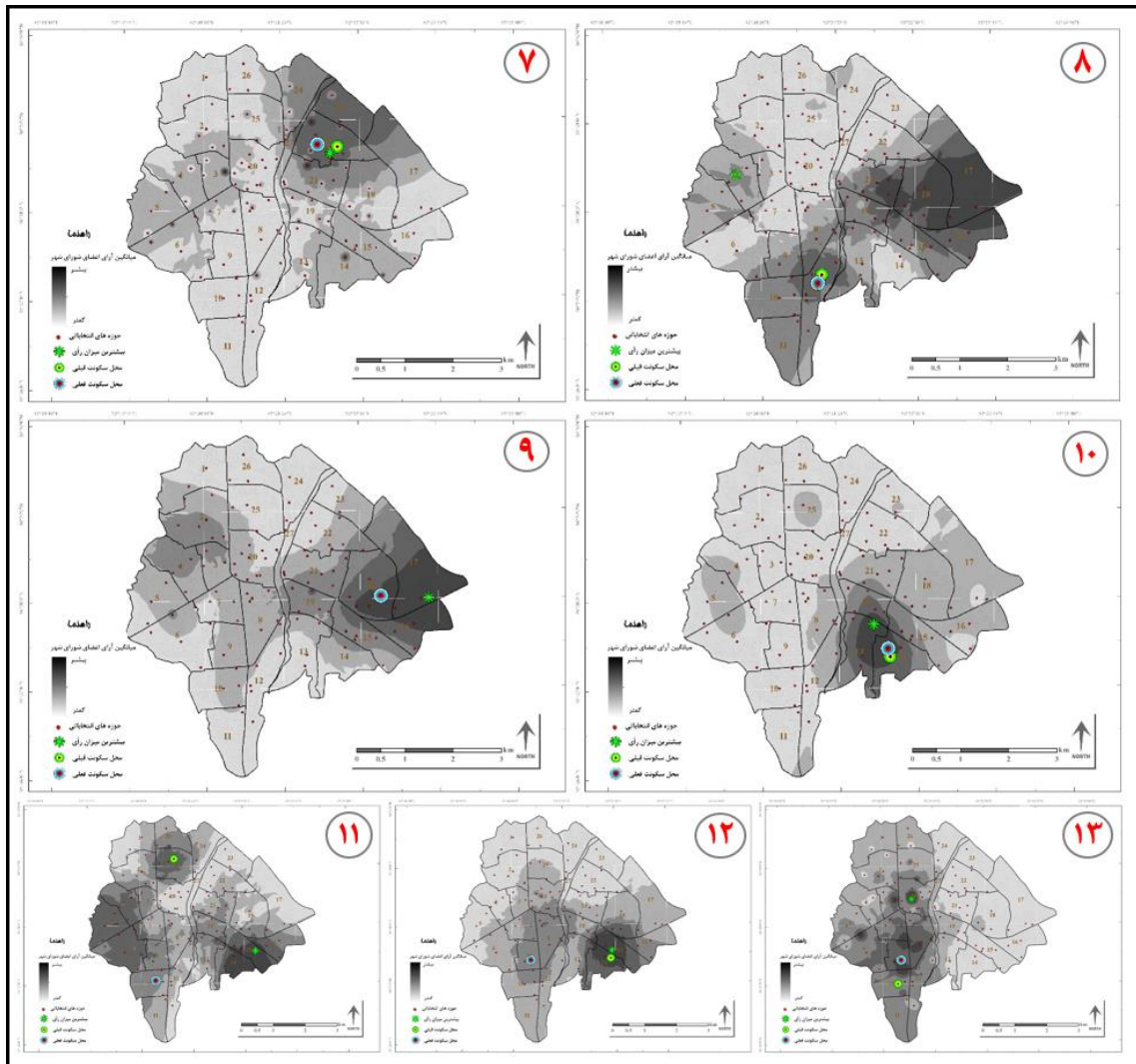
در پاسخ به این سؤال که آیا «همسایگی» تأثیری در انتخاب اعضای شورای شهر دارد، باید گفت بررسی‌ها وجود این پدیده در انتخابات را تأیید نموده‌اند. برای تجزیه و تحلیل این امر ابتدا میزان آرای اعضای شورای شهر در هر یک از حوزه‌های انتخاباتی مشخص و نقشه فضایی میانگین وزنی آرای هر یک از اعضا به‌طور جداگانه روی نقشه ترسیم شد. نقشه ترسیم‌شده برای آرای اعضای شورای شهر از تراکم آرای اکثر کاندیداها در محلات خاصی حکایت دارد (شکل ۷-۱). این امر سبب شد که برای مشخص شدن تأثیر همسایگی در تراکم خوشه‌ای آراء، محل سکونت قبلی و فعلی اعضای شورای شهر طی ۱۵ سال گذشته (مقارن با شروع انتخابات شورای شهر) روی نقشه مربوط به هر کدام از اعضا مشخص شود.



شکل ۷-۱. توزیع فضایی آرای اعضای انتخابی شورای شهر امل، سال ۱۳۹۲

با شناسایی محل سکونت اعضا و تعیین حوزه‌هایی که بیشترین آرا را داشته‌اند، مشخص شده است که در همه موارد رابطه نزدیکی بین این دو متغیر برقرار بوده و بیشترین میزان رأی هر منتخب، مربوط به محل سکونتش بوده است. لازم به ذکر است که محل سکونت، ساده‌ترین شکل از مقوله همسایگی و پدیده زادشهری است؛ چراکه در این مفهوم علاوه بر مناسبات چهره‌به‌چهره، دل‌بستگی‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی نیز کنش افراد را متأثر می‌سازد. به عبارت دیگر فرد می‌تواند در محدوده‌ای ساکن نباشد ولی به دلایل فرهنگی و اجتماعی آرای زیادی را به خود اختصاص دهد. بر همین اساس و با مشاهده نقشه‌های توزیع فضایی آرا کاملاً مشخص است که موضوع همسایگی در میزان آرای همه منتخبان تأثیر واضحی داشته است (شکل ۷-۲). یعنی تمرکز آرای افراد یا در محدوده سکونتشان بوده یا در مناطقی که تعلقات قومی و یا طایفه‌ای فرد منتخب در آن مشهود بوده است. برای مثال منتخبی که در منطقه ۲۲ ساکن بوده، بیشترین آرای

وی مربوط به همان منطقه بوده است و منتخبی که در منطقه ۲۵ ساکن بوده، بیشترین آرای وی علاوه بر منطقه سکونتش، در منطقه ۱۵ بوده است که تعلقات قومی و طایفه‌ای وی در آنجا مشهود است. چگونگی این روند تقریباً در بین همه منتخبان مشابه است. البته باید گفت علاوه بر وجود چنین رویکردی در توزیع آرا، الگوی دیگری نیز مشاهده شده است که در آن برخی از مناطق کم‌درآمد و حاشیه‌ای به کاندیدای خاصی اقبال بیشتری نشان داده‌اند؛ در حالی که آن محدوده نه محل سکونت او و نه طایفه منسوب به او بوده است. در چنین وضعیتی دو نوع تلقی و برداشت وجود دارد؛ یک نوع برداشت مثبت، که بر اساس آن باید به پایگاه اجتماعی و مقبولیت فرد منتخب در آن منطقه اشاره نمود و دیگری برداشت منفی و بدبینانه که بر اساس آن آرای فرد منتخب را باید نتیجه بروز رفتارهای غیرانتخاباتی مانند تطمیع و وعده دانست و از آنجا که معمولاً اطلاعات قابل استنادی در این زمینه انتشار نمی‌یابد، فقط مشاهدات میدانی نگارندگان و اخبار می‌تواند ممکن‌الوقوع بودن این رفتارها را تأیید نماید.

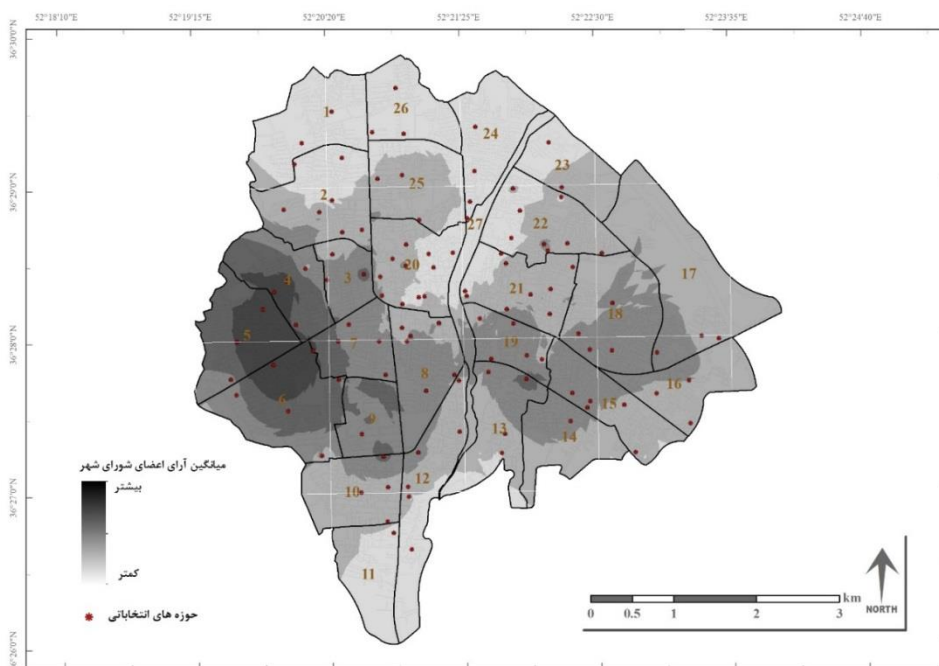


شکل ۷-۲. توزیع فضایی آرای اعضای انتخابی شورای شهر آمل، سال ۱۳۹۲

میانگین کل آرای اعضای انتخابی شورای شهر

تحلیل نقشه آرای اعضا نشان می‌دهد که هر کاندیدا در کدام بخش از شهر بیشترین آرای خود را کسب کرده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد آرای اعضای انتخابی به صورت یک کمربند از غرب به شرق شهر آمل کشیده شده است و هرچه به سمت شرق می‌رویم از میزان آن کاسته می‌شود. بر این اساس باید گفت محلات ۴، ۵ و ۶ که در غرب شهر قرار دارند، به ترتیب بیشترین مشارکت و تأثیر را در انتخاب اعضای شورای شهر آمل در انتخابات سال ۱۳۹۲ بر عهده داشتند (شکل ۸). دلایل متعددی می‌توان برای بالا بودن میزان مشارکت در این قسمت از شهر نام برد که عبارت است از:

۱. ازدیاد نامزدهای این قسمت از شهر در مقایسه با دیگر مناطق شهری و به همان اندازه، تعلق زیاد منتخبان به این قسمت از شهر، به طوری که حدود ۳۱ درصد منتخبان فعلی شورا به این مناطق تعلق دارند.
۲. وجود کانون‌های فرهنگی و هنری فعال در مساجد، هیئت‌های مذهبی و پایگاه‌های مقاومت بسیج که مشکلات عمرانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان محل را پیگیری می‌کنند و زمینه مشارکت فعال مردم را در انتخابات شورای شهر فراهم نمودند. برای مثال می‌توان به مساجد چهارده معصوم، تارالله و سیدالشهدا اشاره نمود.
۳. وجود محلات فقیر و کم‌درآمد که فارغ از هیاهوی سیاسی، انتخابات را همیشه فرصتی مناسب برای ایجاد تغییر در زندگی و محل سکونت خویش می‌دانند و همیشه حضوری جدی و معنادار در انتخابات دارند. مانند دباغچال.
۴. وجود محلات برنامه‌ریزی شده با بافت شهری نوساز که محل سکونت کارمندان اداری، فرهنگیان، معلمان و اقشار متوسط جامعه است. اگرچه مشارکت این محلات به اندازه محلات قبلی نیست؛ اما ساکنان این محلات به مقوله انتخابات بی‌تفاوت نیستند و حضور نسبتاً فعالی در عرصه انتخابات دارند. محلاتی مانند گلشهر، فرهنگ‌شهر و شاهد.



شکل ۸. میانگین کل آرای اعضای انتخابی شورای شهر آمل، سال ۱۳۹۲

ارتباط بین شرایط اقتصادی - اجتماعی محلات و میزان مشارکت سیاسی شهروندان

برای تحلیل بهتر موضوع و تعیین همبستگی بین میزان آرای محلات با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی، شاخص‌های زیادی استخراج، مطالعه و تحلیل شد. در ذیل به برخی شاخص‌ها اشاره شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی محلات شهر آمل

شماره محله	جمعیت محلات	نرخ واجدان شرایط و باسواد	جمعیت ۶ و بیشتر ساله و بی‌سواد	جمعیت ۶ و بیشتر ساله و بیشتر	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	بیکاران ۱۰ ساله و بیشتر	بار تکفل عمومی	بار تکفل و بستگی	ضریب فعالیت عمومی	کل آرا	آرای صحیح
۱	۷۸۱۱	۰/۷۳	۶۴۳۹	۶۸۶	۲۲۸۹	۲۵۶	۰/۳۱	۲/۳۶	۰/۷۱	۱۴۰۳	۱۳۵۵
۲	۱۳۰۵۳	۰/۷۲	۱۱۰۷۵	۹۳۶	۴۱۱۶	۴۱۸	۰/۲۹	۲/۰۱	۰/۶۸	۶۴۹۸	۶۱۹۷
۳	۷۲۴۷	۰/۷۹	۵۸۹۸	۷۷۶	۲۰۶۶	۳۳۹	۰/۳۲	۲/۷۱	۰/۷۲	۳۵۸۸	۳۴۲۲
۴	۹۶۸۶	۰/۷۸	۷۱۸۳	۱۷۶۸	۲۷۵۸	۵۷۰	۰/۳۰	۲/۳۶	۰/۷۲	۴۴۵۱	۴۳۳۲
۵	۱۱۰۰۷	۰/۷۰	۸۸۹۶	۹۲۴	۳۲۶۰	۳۵۲	۰/۳۰	۲/۲۰	۰/۶۶	۳۰۷۰	۲۹۵۰
۶	۱۲۵۰۸	۰/۶۴	۱۰۳۸۱	۹۲۱	۳۸۶۰	۴۱۸	۰/۲۸	۱/۸۷	۰/۶۰	۶۳۸۹	۶۰۶۷
۷	۱۰۸۶۰	۰/۸۰	۹۲۱۸	۷۱۱	۳۳۱۲	۴۸۰	۰/۳۶	۲/۲۸	۰/۷۲	۵۲۱۹	۴۹۹۸
۸	۱۰۹۷۱	۰/۷۵	۹۶۴۲	۵۰۱	۳۲۹۵	۴۱۵	۰/۳۵	۲/۲۱	۰/۶۹	۶۴۸۹	۶۱۵۶
۹	۴۷۳۹	۰/۷۷	۳۷۱۰	۲۷۸	۱۱۳۱	۱۷۹	۰/۳۲	۲/۹۳	۰/۷۰	۹۳۴	۸۸۳
۱۰	۱۰۱۵۹	۰/۸۰	۸۷۵۸	۶۵۶	۳۱۲۵	۳۷۹	۰/۲۸	۲/۱۷	۰/۷۵	۴۵۴۴	۴۳۰۲
۱۱	۴۶۷۹	۰/۸۰	۴۰۵۰	۲۷۵	۱۳۴۴	۱۴۲	۰/۲۹	۲/۲۶	۰/۶۹	۶۰۱	۵۵۹
۱۲	۷۸۵۰	۰/۷۳	۶۳۶۲	۸۲۷	۲۲۱۵	۲۳۹	۰/۳۰	۲/۵۱	۰/۶۷	۴۶۶۱	۴۴۳۵
۱۳	۶۰۷۹	۰/۶۵	۴۸۸۰	۷۰۲	۱۸۴۵	۱۳۰	۰/۳۳	۱/۹۴	۰/۶۰	۳۲۷۸	۳۲۰۲
۱۴	۵۶۵۱	۰/۶۶	۴۴۱۴	۷۰۳	۱۷۹۹	۱۳۹	۰/۲۷	۱/۷۷	۰/۶۲	۱۲۰۵	۱۱۷۹
۱۵	۱۱۰۵۴	۰/۷۸	۸۶۷۱	۱۴۰۸	۳۴۴۵	۳۱۱	۰/۳۱	۲/۲۰	۰/۷۳	۵۵۴۵	۵۴۲۳
۱۶	۶۶۵۰	۰/۶۴	۵۴۶۱	۴۱۵	۲۰۳۰	۱۹۰	۰/۲۹	۱/۹۶	۰/۶۲	۳۲۹۶	۳۲۱۴
۱۷	۴۰۳۳	۰/۵۴	۲۹۷۷	۳۷۰	۱۱۳۷	۱۴۵	۰/۲۴	۱/۹۲	۰/۵۲	۳۴۹۶	۳۳۳۱
۱۸	۱۳۲۲۲	۰/۷۳	۱۰۷۰۱	۱۲۱۶	۴۱۱۶	۳۱۸	۰/۳۱	۲/۱۳	۰/۶۸	۵۵۸۹	۵۴۱۸
۱۹	۳۲۹۹	۰/۷۴	۲۸۴۴	۲۵۹	۹۹۹	۱۴۵	۰/۳۲	۲/۲۱	۰/۶۶	۵۱۸۸	۴۹۴۵
۲۰	۹۲۹۳	۰/۵۹	۷۹۷۳	۷۷۸	۲۷۷۰	۳۶۷	۰/۲۵	۱/۶۵	۰/۵۲	۸۵۳۳	۸۱۳۶
۲۱	۱۱۴۶۴	۰/۷۰	۹۳۷۲	۱۱۷۷	۳۵۵۹	۲۴۹	۰/۳۱	۱/۹۸	۰/۶۴	۶۲۷۶	۶۰۶۴
۲۲	۱۱۶۹۱	۰/۷۷	۹۳۰۶	۱۳۸۹	۳۵۹۶	۲۸۲	۰/۳۶	۲/۲۱	۰/۷۰	۶۴۱۲	۶۲۰۷
۲۳	۳۸۷۷	۰/۵۱	۳۱۴۱	۲۹۴	۱۲۳۶	۹۹	۰/۲۷	۱/۵۵	۰/۴۹	۲۲۱۸	۲۱۱۸
۲۴	۷۷۳۴	۰/۶۹	۵۷۷۴	۱۲۴۳	۲۳۱۰	۲۱۶	۰/۳۲	۲/۱۴	۰/۶۵	۳۸۷۸	۳۷۳۸
۲۵	۹۶۳۸	۰/۷۶	۸۰۱۸	۸۶۹	۲۹۲۴	۳۰۴	۰/۳۱	۲/۱۳	۰/۷۱	۳۱۹۲	۳۰۵۹
۲۶	۵۱۴۵	۰/۵۸	۴۴۲۶	۲۵۱	۱۶۱۴	۱۳۲	۰/۲۸	۱/۷۱	۰/۵۶	۳۱۴۲	۳۰۶

منبع: مرکز آمار سال ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان

جدول ۴. ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و مشارکت سیاسی

متغیرهای مورد مطالعه		کل آرا	آرا صحیح	آرا باطله
نرخ واجدین شرایط	Pearson Correlation	۰/۳۴۱	۰/۲۸۴	۰/۳۴۲
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۸۲	۰/۱۵۱	۰/۰۸۱
جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد	Pearson Correlation	۰/۷۳۵**	۰/۶۲۷**	۰/۷۳۶**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جمعیت ۶ ساله و بیشتر بی‌سواد	Pearson Correlation	۰/۵۲۲**	۰/۲۴۸	۰/۵۳۳**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۵	۰/۲۱۱	۰/۰۰۴
دیپلم و پایین‌تر	Pearson Correlation	۰/۶۹۴**	۰/۵۲۵**	۰/۶۹۹**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
فوق دیپلم	Pearson Correlation	۰/۷۵۵**	۰/۷۴۹**	۰/۷۵۱**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
لیسانس	Pearson Correlation	۰/۶۵۴**	۰/۷۰۳**	۰/۶۴۹**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
فوق لیسانس و بالاتر	Pearson Correlation	۰/۴۹۶**	۰/۶۲۰**	۰/۴۷۸**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۱۰
شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	Pearson Correlation	۰/۷۳۰**	۰/۵۸۴**	۰/۷۳۴**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
بیکار ۱۰ ساله و بیشتر	Pearson Correlation	۰/۶۳۱**	۰/۶۰۲**	۰/۶۲۹**
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نرخ اشتغال	Pearson Correlation	۰/۴۰۱*	۰/۲۸۶	۰/۴۰۵*
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۳۸	۰/۱۴۷	۰/۰۳۶
نرخ بیکاری	Pearson Correlation	۰/۲۸۳	۰/۳۹۷*	۰/۲۷۶
	Sig. (2-tailed)	۰/۱۵۳	۰/۰۴۱	۰/۱۶۴
بارتکفل عمومی	Pearson Correlation	۰/۳۹۷*	۰/۲۸۷	۰/۴۰۰*
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۴۰	۰/۱۴۶	۰/۰۳۹

عوامل مؤثر در مشارکت شهروندان

برای تعیین میزان ارتباط بین شرایط اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی از ضریب پیرسن استفاده شد. برای شناخت وضعیت اجتماعی محلات از سطح سواد و برای شناخت ویژگی‌های اقتصادی از وضع فعالیت (شاغل و بیکار)، نرخ بیکاری و بیکاری، بار تکفل واقعی، عمومی و وابستگی، ضریب فعالیت عمومی و واقعی به‌مثابه مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. تحلیل ضریب همبستگی بین میزان مشارکت و شاخص‌های مذکور در زیر آمده است. بر اساس نتایج، مشارکت جمعیت باسواد با ضریب همبستگی $0/735$ بیشتر از جمعیت بی‌سواد با همبستگی $0/522$ (جدول ۴) است. همچنین برای بررسی دقیق‌تر، تأثیر میزان تحصیلات بر مشارکت شهروندان بررسی شد. میزان تحصیلات به ۴ گروه دیپلم و پایین‌تر، فوق‌دیپلم، لیسانس و فوق‌لیسانس و بالاتر تقسیم شد و میزان مشارکت هر گروه به ترتیب $0/694$ ، $0/755$ ، $0/654$ و $0/496$ (جدول ۴) به‌دست آمد که نشان می‌دهد باوجود اینکه جمعیت باسواد مشارکت بیشتری در مقایسه با جمعیت بی‌سواد داشتند؛ اما هرچه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد، مشارکت افراد کمتر می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بین جمعیت شاغل و بیکار هم در میزان مشارکت تفاوت معنادار وجود دارد به‌طوری که همبستگی شاغلان $0/730$ و بیکاران $0/631$ است. همین‌طور همبستگی نرخ اشتغال ($0/4$) بیشتر از نرخ بیکاری ($0/28$) است. بین مشارکت سیاسی و بار تکفل وابستگی، بار تکفل واقعی و ضریب فعالیت همبستگی معنادار دیده نشد (جدول ۴).

نتیجه‌گیری

شورای شهر مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در مدیریت شهری به‌شمار می‌رود و جغرافیای انتخاب، تعامل فضا، مکان و فرایندهای انتخاباتی را واگشایی می‌کند. انتخابات شورای شهر، بستر و زمینه‌ای را فراهم می‌کند که از طریق آن قدرت و اختیار از سوی مردم به مدیریت شهری واگذار می‌شود و مردم قادرند مطالباتشان را همسو با هم دنبال نمایند. مردم با مشارکت و تصمیم‌گیری در انتخابات شورای شهر، در جهت‌دهی درست به مسیرهای برنامه‌ریزی و بهبود شیوه مدیریت شهری دخالت می‌کنند و محل زندگی خود را به سمت توسعه و پیشرفت سوق می‌دهند. مشارکت سیاسی مردم آمل در ۴ دوره انتخابات شورای شهر با فرازوفروید همراه بوده است. ناشناخته بودن ماهیت و عملکرد «شورای شهر»، مهم‌ترین دلیل استقبال مردم در اولین دوره بود. انتخابات در این دوره با نرخ مشارکت ۷۴ درصدی رکورد بی‌سابقه‌ای را بر جای گذاشت، اما دلسردی و ناامیدی ناشی از برآورده نشدن انتظارات، موجب شده که دومین دوره انتخابات، با کاهش تعداد داوطلبان و نرخ مشارکت ۴۱ درصد با افت معنادار روبرو شود. باگذشت زمان و افزایش واقع‌بینی و آگاهی مردم، استقبال از انتخابات شورا روند معقولانه‌تری در پیش گرفت؛ به‌طوری که نرخ مشارکت در دوره سوم ۵۴ درصد و دوره چهارم به ۶۲ درصد افزایش یافت. از دیگر ویژگی‌های انتخابات شورا در این شهر، جستار «تأثیر همسایگی» در رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان است که فضایی کاملاً آشکار در نقشه سیاسی شهر دارد. واگشایی نتایج آخرین دوره انتخابات شورای شهر آمل نشان داد هم نامزدها و هم رأی‌دهندگان، مقوله «تأثیر همسایگی در قالب زادشهری» را یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های حمایتی خود می‌دانند. این وضعیت نمایان‌گر آن است که عموماً رأی‌دهندگان، منافع محلی، گذرا و فردی را بر منافع فراگیر، دیرپا و گروهی برتری می‌دهند. در واقع نگارندگان معتقدند در این شرایط، فرهنگ سیاسی بخش‌هایی از

جامعه شهری خصلتی توده‌وار دارد که در آن مفاهیم هویت فراگیر شهری، حزب‌گرایی، مشارکت سیاسی مؤثر و شهروندگرایی با دشواری‌هایی روبرو است. یافته‌های تحقیق نشان داد بین ابعاد اقتصادی و میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. شاخص‌هایی مانند نرخ اشتغال، تعداد شاغلان، بار تکفل عمومی، ارتباط مثبت و معنادار با میزان مشارکت دارند. یعنی هرچه نرخ اشتغال محله‌ای افزایش یابد، میزان مشارکت سیاسی محله هم افزایش می‌یابد، یا هرچه بار تکفل بالا رود، میزان مشارکت پایین می‌آید. در واقع با بهبود شرایط اقتصادی محلات، ساکنان تمایل بیشتری به حضور در انتخابات دارند. در رابطه با شاخص‌های اجتماعی نیز وضعیت به همین شکل است. بر اساس یافته‌ها گرچه آرای باطل میان مناطق باسواد بیشتر از مناطق کم‌سواد است؛ اما افراد باسواد مشارکت بیشتری نسبت به بی‌سوادان دارند. از سوی دیگر هرچه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد سطح مشارکت نیز کاهش می‌یابد. همخوانی نقشه توزیع آرای باطل با پراکندگی میزان سواد، نمایانگر بی‌اعتمادی تحصیل‌کردگان به نقش و عملکرد شورا در پیشبرد نظام مدیریت شهری است. این در حالی است که در بسیاری از دموکراسی‌های پیشرفته، نخبگان نقش محوری در هدایت سکان سیاست ایفا می‌کنند. مدیریت آرای مردم و بهره‌برداری از آن به نفع مردم و در جهت گسترش و ترویج دموکراسی، رسالتی است که به عهده نخبگان است. از این رو تا زمانی که نخبگان شهری به دموکراسی به‌مثابه یک ارزش مردمی و به سیاست به‌مثابه شیوه پردازش به امور محلی و منطقه‌ای از مجرای قواعد مشخص پایبند نباشند، هرگونه تقلا از مجاری دیگر سودی نخواهد داشت.

منابع

- صالحی، حسین؛ (۱۳۷۸). وظایف قانونی شوراها، ماهنامه علمی، پژوهشی، آموزشی شهرداریها، سال دوم، شماره ۷.
- نوروزی، کامبیز؛ (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر مبانی حقوق اساسی شوراها، ماهنامه علمی، پژوهشی، آموزشی شهرداریها، سال اول، شماره ۱.
- رازقی، سینا؛ سوری، الهام؛ (۱۳۸۵). نقش آفرینی شوراها در مدیریت شهری با تأکید بر آسیب‌شناسی شورای گذشته، ماهنامه علمی، پژوهشی، آموزشی شهرداریها، سال ششم، شماره ۷۵، صص ۱۸ - ۲۹.
- سعیدنیا، احمد؛ (۱۳۷۹). **مدیریت شهری**، مجموعه کتاب سبز شهرداری، جلد ۱۱، انتشارات سازمان شهرداریها.
- سرای، آرش؛ (۱۳۸۵). بخش مردمی مدیریت شهری، مجله شهرداریها، سال ششم، شماره ۷۵، صص ۵ - ۹.
- توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک**، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۳.
- نقیب‌زاده، احمد؛ (۱۳۷۳). **حکومت در اروپا**، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۲.
- مویر، ریچارد؛ (۱۳۷۹). **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه دره میرحیدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حافظنیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد؛ (۱۳۸۳). افق‌های **جدید در جغرافیای سیاسی**، تهران، انتشارات سمت.
- راش، مایکل؛ (۱۳۷۷). **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- کاویانی‌راد، مراد؛ ویسی، هادی؛ (۱۳۷۸). بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران مطالعه موردی: دوره نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۰ - ۲۰.
- سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۰، سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار.
- گلی، علی؛ مهکویی، حجت؛ (۱۳۹۳). الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۸۹ - ۲۱۳.
- کاویانی‌راد، مراد؛ (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم شماره سوم، صص ۴۸۱ - ۵۰۵.
- حافظنیا، محمدرضا؛ احمدپور، زهرا؛ قادری حجت، مصطفی؛ (۱۳۹۱). سیاست و فضا، انتشارات پاپلی. چاپ اول.
- حقیقی، محمدصادق؛ (۱۳۷۵). انتخابات، تعریف و اصطلاحات، دفتر سیاسی و معاون اجتماعی دفتر انتخابات وزارت کشور، وزارت داخله، چاپ خانه.
- بلکسل، مارک؛ (۱۳۸۹). **جغرافیای سیاسی**، ترجمه محمدرضا حافظنیا و همکاران، تهران، انتشارات انتخاب.
- مویر، ریچارد؛ (۱۳۷۸). **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه دره میرحیدر و رحیم صفوی، تهران، نیروی مسلح سازمان جغرافیایی، چاپ اول.
- لطیفی، غلامرضا؛ (۱۳۸۷). **مدیریت شهری**، تهران، موسسه فرهنگ، اطلاعات و مطبوعات.
- آشوری، داریوش؛ (۱۳۸۲). **دائرةالمعارف سیاست**، تهران، چاپ هشتم.
- سیف‌الدینی، فرانک؛ منصوریان، حسین؛ (۱۳۹۰). تحلیل الگوی تمرکز خدمات شهری و آثار زیست‌محیطی آن در شهر تهران، مجله محیط‌شناسی، سال سی‌وهفتم، شماره ۶، زمستان، صص ۵۳ - ۶۴.

شفیعی‌پور، صادق؛ (۱۳۷۹). قانون **شهرداری**، انتشارات مجد، چاپ سوم.

حکیمیان، ابوالفتح؛ (۱۳۶۸). **علویان طبرستان**، دکتر زرین کوب، تهران.

Pattie, Charles & Johnston, Ron, 2007, Political issues, valence issues and the economic geography of voting in British elections. *Journal of Economic Geography Advanced*, Access published online on October 9, from: <http://joeg.oxfordjournals.org/content/abstract/lbm032v1>.

Flint, Colin 1998, "The Political Geography of the Nazi Party's Electoral Support: The NSDAP as Regional Milieuparteien and National Sammlungsbeuung". *The Arab World Geographer*, Vol.1, pp. 79- 100

Estes, Todd, 2006, *Where the Votes Are: The Electoral Geography of the Coming Democratic Majority*; Oakland University, Vol 3. From: <http://www.bepress.com>.

Johnson, R, 1993, *the Dictionary of Human Geography*; BLACKWELL.

Uhlener, C, J, 2004, Participation: Political, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Pages 11078-11082.

Sills, D, 1968, *Intention of Social Sciences*, New York, Macmillan Company and the Free Press.

Taylor, Peter, 1989, **Political Geography**, New Yourk: Longman.

Dowived, R. L, 1990, **Political Geography**, Allahabad print at Shiva Mudranalaya.

Glassner, Martin, 1993, **the Political Geography**, Pub: John Willy.

M, Horn, 1999, GIS and the geography of politics from Geographical Information System: Principles, Techniques, Management and Application, Pb: WILLY.

<http://hezarsangar.blogfa.com>.